خارج فقه جلسه 20 - تقیه و مسح بر حائل – 08/08/1401

موضوع: (آیا اول وقت نماز خواندن به خاطر ضرورت مسح بر حائل جایز است یا نه؟ - قید مندوحه - آیا در تقیه مسح بر حائل جایز است یا نه؟)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

مسئله سی و پنجم: درباره مسح بر حائل در زمان اضطرار است که سید در عروه به دو امر اشاره کرده‌اند (این همان بحث اجزاء در اصول می باشد)

امر اول: آیا غیر از مورد تقیه در مصادیق ضرورت‌ها و اضطرارها، مسح بر حائل جایز است یا نه؟ یا باید صبر کند و نماز را تأخیر بیندازد تا اضطرار رفع شود و نیازی به مسح بر حائل نباشد؟ اینکه برای ذوی الاعذار که بخواهد تأخیر بیندازد به آن بَدار می‌گویند یعنی مبادرت که برای صاحبان عذر در اول وقت بدار دارند یعنی مبادرت کنند و نماز را اول وقت را بخوانند یا صبر کنند تا عذر برطرف شود و آن‌وقت بخوانند. سید در عروه می­نویسد که مسح بر حائل در مقام اضطرار غیر از مورد تقیه در اول وقت جایز است و نیازی به بدار نیست چون روایات داریم پس برای صاحب عذر غیر از تقیه بدار جایز است.

دلیل ایشان هم معقد اجماع و هم خبر ابی الورد است و منظور ایشان از معقد اجماع همان قاعده اجزاء اصولی است که مأمورٌ به یک طبیعت است و دارای افرادی است وقتی یک فرد از طبیعت امتثال شود مأمورٌ به واقعی امتثال شده و تکلیف ساقط می‌شود لذا از اول ظهر تا آخر ظهر همه افراد نماز ظهر و عصر مأمورٌ به واقعی است لذا وجهی ندارد تأخیر انداختن و بَدار جایز است به خاطر همین است که اگر فردی امتثال شود کافی است.

اما فقها یک قیدی زدند که بدار و اول وقت خواندن جایز است برای مضطر در صورتی که رفع اضطرار تا آخر وقت ممکن نباشد که اگر تا آخر وقت ممکن است اجماع فقها این است که اول وقت نماز نخواند پس متن سید بنا بر قول کسانی است که بدار را جایز نمی‌دانند.

امر دوم: آیا در تقیه مسح بر حائل جایز است یا نه؟ تارة تقیه به خاطر ظلم ظالمی است که در اینجا بحثی و نزاعی نیست که اگر می‌خواهد تقیه کند نگاه به مندوحه کند یعنی آیا می‌شود یک نماز بدون تقیه بخواند یا نه؟ اما آنچه مورد بحث است تقیه بین عامه است که نیاز به مندوحه دارد یا نه؟ لذا تعبیر می‌شود که آیا عدم مندوحه در تقیه بر جواز مسح بر حائل معتبر هست یا نه؟

مرحوم سید در عروه نوشته که تقیه یک امر وسیعی است و نیازی نیست که به مکانی رفته که تقیه در آنجا نیست اگرچه رفتن به آن مکان آسان است لذا بین اضطرار و تقیه فرق است در اضطرار کل وقت را شامل شدن شرط است اما در تقیه استیعاب شرط نیست که تقیه کل وقت و امکنه را شامل شود و لازم نیست چون از ظاهر ادله تقیه توسعه فهمیده می‌شود که مکلفین در وسعت هستند و روایت در این زمینه روایت ابوالصباح کنانی است.

متن روایت: وعنه عن أحمد بن محمد عن علي بن الحكم عن سيف بن عميرة عن أبي الصباح قال: والله لقد قال لي جعفر بن محمد عليه السلام: ان الله علم نبيه التنزيل والتأويل فعلمه رسول الله صلى الله عليه وآله عليا عليه السلام: قال: وعلمنا والله ثم قال: ما صنعتم من شئ أو حلفتم عليه من يمين في تقية فأنتم منه في سعة.[[1]](#footnote-1)

شاهد آن عبارت «فانتم منه سعة» که شما در تقیه در وسعت هستید و اینکه در روایت دارد «ما صنعتم من شیء» این شیء مطلق است و شامل فاقد جزء و فاقد شرط و واجد مانع و هم ترک سوره و هم شستن پا در وضو و هم نماز بدون مهر و هم مسح بر روی کفش می‌شود لذا معلوم می‌شود دایره تقیه وسیع است و مندوحه نمی‌خواهد.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. وسائل ج ۱۶ ص ۱۳۴ ح ۲ [↑](#footnote-ref-1)